فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق
دوره چهاردهم، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۵۴
صفحات: ۱۰۴ ـ ۷۹

PAZHUOHESH NAMEH-E AKHLAGH
A Research Journal
Vol. 14, Winter 2022, No. 54

واکاوی مضامین ویژه نامه‌های امام علی به کارگزاران در حوزه‌های اخلاق براساس روش تحلیل محتوای کیفی[1]

زینب نریمانی*

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف و کشف مضامین ویژۀ نامه‌های امام علی بـه کـارگزاران در حوزه‌های اخلاق فردی، اجتماعی و الهی و تعیین جایگاه اخلاق در مبانی نظری حضرت با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. بـدین منظـور بـا کاربسـت نـرم‌افـزار تحلیل مضمون MAXQDA ، نامه‌ها براساس واحد تحلیل مضمون، کدگذاری شـده و بر اساس اشتراکات در بین آن‌ها تحت عنوان مقوله‌های مختلف تقسیم‌بنـدی شـده‌انـد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که باتوجه به اینکه در تمام مقوله‌هـای پرمضـمون، زیرمقوله‌های اخلاقی بیشترین فراوانی مضمون را به خـود اختصـاص داده‌انـد در مبـانی نظری حضرت اخلاق جایگاه عظیمی دارد. مضمون ویژه در حوزه اخلاق اجتماعی حفظ کرامت انسان‌ها و در حوزه اخلاق فردی ساده‌زیستی و در حوزه اخلاق الهی مضمون تقوا می‌باشد که دایره معنایی آن‌ها با توجه به مضامین وارد شده ترسـیم گشـته اسـت و در پایان روش‌های تربیتی حضرت در راستای تقویت کارگزاران در این حـوزه‌هـا مشـخص گردیده است.

واژگان کلیدی

نامه‌های امام علی به کارگزاران، تحلیل محتوای کیفی، رویکرد عرفی، مضمون ویژه، اخلاق.

---

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تحلیل محتوای کیفی نامه‌های حکومتی امام علی﵇» است.

*. دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران. z.narimani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

۱. بیان مسئله

اخلاق یکی از مؤلفه‌های اصلی دوام و قوام جوامع بشری است و استحکام هر نظام وابسته به نظام اخلاقی و ارزشی حاکم بر آن است. حکومت حضرت علی حکومتی دینی و اخلاق‌محور بود. در میان نامه‌های حضرت به کارگزاران بخش عظیمی به هدایت و تربیت اخلاقی آنان اختصاص یافته است که با کاربست روش‌های متن‌کاوی علمی بر روی آنها می‌توان به نتایج علمی دست یافت.

انتخاب نامه‌ها به‌عنوان داده در این پژوهش از این‌روست که «نامه‌ها بیش از خطبه‌ها نگرش و سطح فکری و دیدگاه‌های صاحب خود را نشان می‌دهند و در این امر گویاتر و صادق‌تر هستند. از سویی نامه‌ها اسنادی ثبت شده‌اند و نقل روایت‌های مختلف درباره یک نامه به ندرت امکان‌پذیر است». (قمیحه، ۱۹۸۶: ۱۳)

بی‌تردید کاربست یک روش متن‌کاوی روشمند و علمی همچون تحلیل محتوای کیفی بر روی این نامه‌ها نتایج علمی و قابل اعتمادی را در پی دارد. روش تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های متن‌کاوی علمی است که در این مقاله با استفاده از آن و کاربست نرم‌افزار «MAXQDA» فراوانی مقوله‌های مختلف را در نامه‌ها بررسی و با تحلیل دقیق مسئله اخلاق به تبیین جایگاه انواع اخلاق در مبانی نظری آن حضرت پرداخته و مضامین ویژه و مورد توجه ایشان در این خصوص بررسی شده است. بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

با توجه به فراوانی مضامین اخلاقی و نمودهای زبانی در مقوله‌های مطرح درباره نامه‌های امام به کارگزاران، جایگاه اخلاق در این‌گونه نامه‌ها، چگونه ارزیابی می‌گردد؟

با توجه به شمول اخلاق بر حوزه‌های اخلاق اجتماعی، فردی و الهی از دیدگاه و مبانی نظری امام علی‌علیه‌السلام کدام حوزه بر دیگری اولویت دارد؟

با توجه به بسامد بالای یک مضمون یا نمودهای زبانی در رابطه با آن، در هر حوزه اخلاقی کدام مضمون بیشتر مورد تأکید و اهتمام آن حضرت بوده است؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران بسیاری در زمینه اخلاق مطالعه و تحقیق نموده‌اند و کتاب‌های مختلفی در این زمینه به‌نگارش درآمده است. برای نمونه می‌توان به کتاب‌های ***اخلاق در قرآن*** اثر محمدتقی مصباح یزدی و ***اصول اساسی در پرورش اخلاقی*** از احمد اسلامی اشاره کرد.

از میان مقالات نیز می‌توان دو مقاله ***اخلاق و تربیت از دیدگاه امام علی*** از اکبر ساجدی و ***بررسی اولویت‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام علی*** از علی همت بناری را ذکر کرد که می‌توان پژوهش اخیر را از مرتبط‌ترین و نزدیک‌ترین پژوهش‌های موجود با پژوهش حاضر به‌شمار آورد. تمایز پژوهش پیش‌رو با پژوهش اخیر در آن است که پژوهش یادشده به بررسی اولویت‌های آن حضرت در اخلاق در کتاب ***نهج‌البلاغه*** بدون کاربست روش متن‌کاوی علمی پرداخته است. از این‌رو دستاوردهای آن از روایی و پایایی لازم برخوردار نمی‌باشد و یافته‌های آن حاکی از آن است که سه مفهوم تقوا، زهد و صبر بیشتر مورد تأکید است که این موضوع گواه نادیده گرفتن حوزه اخلاق اجتماعی از سوی نویسنده می‌باشد. درحالی‌که پژوهش حاضر بررسی نامه‌های امام علی به کارگزاران در منابع معتبری چون ***نهج السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه***، ***نهج‌البلاغه***. با روش متن‌کاوی علمی در سه حوزه اخلاق فردی، اجتماعی و الهی می‌باشد.

اما در رابطه با تحلیل محتوای نامه‌های امام علی‌علیه‌السلام می‌توان به مقاله ***مدیریت عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه*** از علی‌نقی امیری و مقاله ***تدوین الگوی توسعه و پیشرفت در پرتو رهنمودهای امام علی*** از علی‌اصغر سعدآبادی و علی‌اصغر پورعزت اشاره کرد. بنابراین براساس جستجوهای صورت گرفته هیچ پژوهشی درباره اخلاق از دیدگاه حضرت از خلال نامه‌های امام علی به کارگزاران در منابع معتبر و براساس الگوی تحلیل محتوای کیفی صورت نگرفته است.

۳. ضرورت پژوهش

اخلاق یکی از مهم‌ترین و درعین حال اساسی‌ترین موضوعات زندگی انسان است که توجه به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. شناخت اولویت‌های اخلاقی، راهکارهای تقویت و ایجاد آن ازجمله مسائل مهم و درخور توجه است که رجوع به کلام رهبران دینی برای پاسخ به آن از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. از سویی، مطالعات روزافزون درخصوص اخلاق در سال‌های اخیر ضرورت بازنگری این موضوع را در منابع اسلامی طلب می‌کند؛ گرچه برخی پژوهشگران حوزه مطالعات اسلام کوشیده‌اند به بازشناسی موضوع اخلاق در اسلام بپردازند؛ لیکن آنچه تاکنون مطرح شده است بیشتر تبیین این موضوع بدون استفاده از روش‌های متن‌کاوی علمی و براساس اسناد معتبری چون مکاتبات حضرت بوده است.

به‌نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راه‌گشای فهم عمیق در این موضوع باشد، تبیین این موضوع از دیدگاه و مبانی نظری آن حضرت از خلال کلام ایشان و براساس اسناد معتبر است.

۴. مفاهیم نظری پژوهش

الف) مضمون

متداول‌ترین واحدی که برای تحلیل متون در تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود، مضمون است. مضمون را چنین تعریف می‌کنند:

> مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که در تجزیه و تحلیل محتوا باید مدنظر قرار گیرند و منظور از مضامین، معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. این مضمون‌ها فضای خاص و مشخصی را اشغال نمی‌کنند، چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشد. (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۴)

مضمون ویژه یعنی مضامین اصلی و خاص که به دلایلی چون بسامد بالا یا نمودهای زبانی نسبت به دیگر مضامین از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. از این‌رو در مبانی نظری نویسنده از اولویت و اهمیت بالاتری برخوردارند. در این پژوهش برای دستیابی به مضامین از روش‌های استفاده شده زیر است:

۱. تکرارها: تکرار یکی از ساده‌ترین راه‌های تشخیص مضامین است. برخی از آشکارترین مضامین در داده‌ها موضوعاتی هستند که چندین بار مطرح می‌شوند و قواعدی هستند که مرتب تکرار می‌شوند. هرچه یک مفهوم یکسان در یک متنی بیشتر مطرح شود، احتمال اینکه یک مضمون ویژه باشد بسیار است.

۲. نوع‌شناسی‌های مکنون: یکی دیگر از روش‌های شناسایی مضامین، جستجوی اصطلاحات یا عباراتی است که ممکن است چندان آشنا به‌نظر نرسند و یا به روش نامتعارفی به‌کار رفته باشند.

۳. تشبیه‌ها و استعاره‌ها: طبق یافته‌ها و مشاهده‌ها، افراد غالباً اندیشه‌ها، رفتار و تجارب خود را در قالب تمثیل و استعاره بیان می‌کنند. ازاین‌رو در متن‌پژوهی می‌بایست به‌دنبال استعاره‌های بلاغی و لفظی و کشف مضامین اصلی آنها بود.

۴. داده‌های مفقودی: یکی دیگر از روش های موشکافی متن، کاملاً بر عکس روش‌های رایج شناسایی مضمون است. در این روش به‌جای اینکه سؤال شود چه چیزی در متن وجود دارد؟ این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی در متن وجود ندارد؟

۵. فهرست واژه‌ها و کلمات کلیدی متن: این فن براساس قانون مشاهده استوار است. فن شمارش داده‌ها باعث تلخیص و چگالش داده‌ها می‌شود و به پژوهشگران کمک می‌کند به کلمات کانونی در مجموعه پراکنده از داده‌ها تمرکز نمایند.

۶. فن همنشینی کلمات: این فن برگرفته شده از تحلیل شبکه معانی و زبان‌شناسی است و بر پایه این ایده شکل گرفته است که معنی یک کلمه با مفاهیم مرتبط با آن در ارتباط است (بـــه نقـــل از شیخ‌زاده، ۱۳۹۳: ۳۴ ـ ۱۳)

۱. اخلاق

اخلاق، جمع خَلق و خُلق به‌معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن که به‌معنای صـورت درونـی و باطنی و ناپیدای آدمی به‌کار می‌رود که با بصیرت درک می‌شود. در مقابل خَلق که به‌صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، با چشم قابل دیدن است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۶: ۱۰ / ۸۶)

شایع‌ترین کاربرد اصطلاح اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت اسـت از: صـفات نفسـانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن به سهولت و بدون نیاز به تامل و تـروی از آدمی صادر شود. (مسکویه، بی‌تا: ۵۱) رویکردهای اخلاق‌پژوهان مسلمانان در صورت‌بندی و تقسـیم اخلاق گوناگون بوده و به‌طور کلی شامل شش رویکرد می‌باشد. (حسینی، ۱۳۹۵: ۳۸) در یکی از این رویکردها، مباحث اخلاق براساس تنوع متعلقات و طرف رابطه اخلاقی صورت‌بندی می‌شود. به ایـن صورت که متعلق فعل اختیاری یا خود فاعل (اخلاق فردی) است یا دیگران (اخلاق اجتمـاعی) و یـا خدای متعال (اخلاق الهی) است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱ / ۲۴۰)

۲. روش تحقیق

در این پژوهش روش‌شناسی بر مبنای روش تحقیق کیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. در این روش تمرکز اصلی بر روی متن اصلی نامه‌ها و تفسیر و کشف معانی نهان آن بـه‌عنـوان یـک مـتن ادبـی سیاسی خواهد بود تا بدین‌وسیله از نگاه خود امام به مسائل نگریسته شود.

این روش با این رویکرد روشی منفعل است و پژوهشگر باید بدون در نظر داشتن هرگونه فرضیه و پیش‌زمینه‌ای به بررسی پژوهش بپردازد. برخلاف روش‌های کمی که محقق می‌کوشد تا در جریان فرایند تحقیق، نظریه مشخصی را از طریق طرح فرضیات بیازماید، در روش‌هـای کیفـی مطـابق بـا ماهیت اکتشافی آن از ادبیات نظری خاصی پیروی نمی‌شود و فرضیات خاصی وجود ندارد.

لازم به یادآوری است که عدم وجود نظریات و فرضیات مشخص در ابتـدای تحقیـق بـه‌معنـای فقدان دغدغه نظری و گسستن از جهت‌گیری نظری نیست بلکه این جهت‌گیری‌ها از ابتدای تحقیق و در مراحل مختلفْ همراه محقق می‌باشد و درنهایت در تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به‌عنوان مرجعی برای استناد، مورد توجه و ارزیابی قرار می‌گیرند. (صادقی فسایی و ملکی‌پور، ۱۳۹۲: ۷)

تعاریف زیادی از تحلیل محتوای کیفی ارائه شده است؛ برای نمونه، در اینجا به تعاریف هسیه[1] و شانون[2] اشاره می‌شود که آن را به‌عنوان یک روش پژوهش برای تفسیر ذهنی داده‌های متن از طریق فرایند منظم کدگذاری و تعریف مضامین[3] یا الگوهای متن[4] می‌دانند. تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربردی فراوان دارد. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸)

محققان، تحلیل محتوای کیفی را به‌منزله روش انعطاف‌پذیر، به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر می‌گیرند. (همان: ۲۱) برای نمونه در متون دینی برای مشخص کردن تأکیدات نویسنده علاوه بر بسامد لغات یا مضامین، تأکیدات لفظی و معنایی که برگرفته از ساختار نحوی و معنایی زبان است، مورد توجه قرار می‌گیرد. درواقع تأکیدات منبع یا تأکیدکننده متن به کشف و جستجوی معانی نهفته در آن کمک می‌کند. (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۹۱)

زمانی که پژوهشگر با داده‌های زیادی سروکار دارد؛ فرایند طبقه‌بندی داده‌ها در روش تحلیل محتوا می‌تواند توسط نرم‌افزارهایی که جهت کمک به پژوهشگر در این زمینه به وجود آمده‌اند، تسهیل شود. در این باره می‌توان به نرم‌افزارهایی همچون Nvivo، Atlas Ti، MaxQDA اشاره کرد. رویکردهای تحلیلی محتوای کیفی به سه دسته مجزا تقسیم می‌شود. این رویکردها شامل رویکردهای عرفی یا قراردادی،[5] جهت‌دار و تجمّعی می‌باشد. (مهرداد و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۶)

با توجه به اتخاذ رویکرد عرفی در پژوهش حاضر به شرح این رویکرد اکتفا می‌شود: به‌طورکلی تحلیل محتوای عرفی در طرح‌های مطالعاتی که هدفش توصیف پدیده است، به‌کار می‌رود. محققان از به کاربردن طبقات از پیش تشکیل شده پرهیز می‌کنند و درعوض اجازه می‌دهند تا طبقات و نام آنها از داده‌ها جریان یابد. محققان خودشان را در داده‌ها غوطه‌ور می‌کنند تا بصیرت‌های جدید بتواند استخراج گردد. این امر به‌عنوان توسعه طبقه استقرایی[6] هم توصیف می‌گردد. بسیاری از روش‌های کیفی از این رویکرد اولیه برای طرح مطالعاتی خود استفاده می‌کنند. (همان)

ب) جایگاه اخلاق و حوزه‌های مختلف آن در نامه‌های امام علی به کارگزاران

نامه‌های امام علی در کتب معتبری چون ***نهج‌البلاغه***، ***نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*** و ***انساب الاشراف*** گردآوری شده‌اند. نامه‌های امام به کارگزاران شامل ۹۲ نامه با ۴۴ مخاطب است و فراوانی مضامین

1. Hesieh.H.f.
2. Shannon.S.E.
3.Themes.
4. Extual modes.
5. Conventional.
6. Inductive category development.

آن ۱۳۰۸ معادل ۶۲٫۶۱ درصد از کل مضامین نامه‌های حکومتی امام علی است. بیشترین تعداد نامه به عبدالله بن عباس و بیشترین مضمون خطاب به مالک اشتر به‌کار رفته است.

این نامه‌ها بعد از اعتباریابی که براساس صحت سند و قدمت آن و کثرت عبارت در منابع متعدد و درنهایت تأکید شارحان و مستندنویسان نهج‌البلاغه انجام شده است به‌عنوان داده‌های این پژوهش گردآوری و تقسیم‌بندی شده‌اند. در روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد عرفی که یک روش استقرایی است، پژوهشگر از به‌کارگیری طبقات از قبل تعیین شده اجتناب می‌ورزد و در عوض اجازه می‌دهد که طبقات نامشان از درون داده‌ها بیرون آید. بنابراین بعد از کدگذاری کل داده‌ها در نرم‌افزار MAXQDA به ۱۳۰۸ کد «مضمون» رسیده که براساس اشتراکاتی که با یکدیگر داشتند تحت‌عنوان ۱۳ مقوله مختلف تقسیم‌بندی شدند که نمودار درصد فراوانی آنها در ذیل نمایان است.

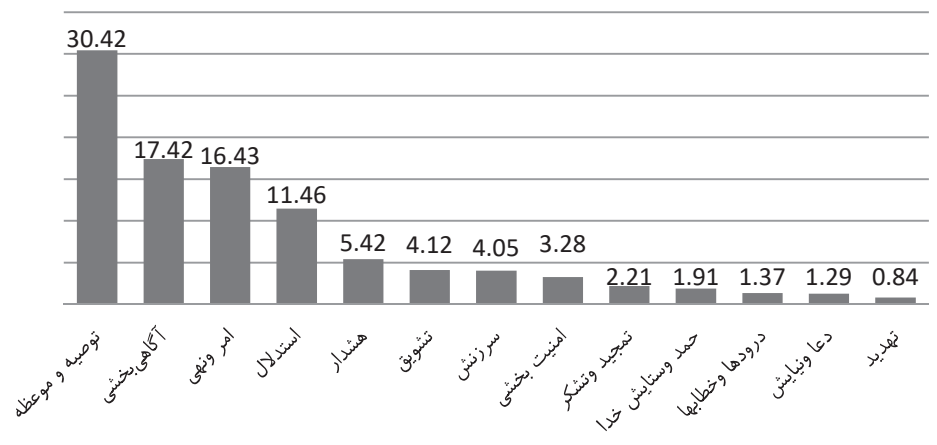

نمودار درصد فراونی مقوله های مطرح در نامه های حکومتی امام علی (ع) به کارگزاران

این مقوله‌ها صرف‌نظر از مقوله «درودها و خطابها» که جزو انکارناپذیر مضامین نامه‌های عصر امام است، روش‌های تربیتی می‌باشند که با توجه به ناظر بودن آنها به ابعاد اعمال انسان که شناخت، انگیزه و رفتار است به سه بخش کلی تقسیم می‌شود: ۱. روش‌های ناظر به ایجاد یا تقویت شناخت همچون روش‌های آگاهی‌بخشی، توصیه (موعظه)، استدلال، ۲. روش‌های ناظر به ایجاد یا تقویت انگیزه یعنی روش‌های تشویق و تمجید، هشدار و سرزنش، امنیت‌بخشی و تهدید، ۳. روش‌های ناظر به رفتار که امربه‌معروف و نهی از منکر، دعا و نیایش و حمد و ستایش خداوند هستند. (یوسف‌زاده وفایی و رهنمایی، ۱۳۹۴: ۷۷)

همان‌طور که در نمودار قابل مشاهده است هفت مقوله اول «توصیه، آگاهی‌بخشی، امرونهی، استدلال، هشدار، تشویق و سرزنش» به لحاظ بسامد مضامین، پرمضمون‌ترین مقوله‌ها محسوب می‌شوند که در تمام آنها زیرمقوله‌های مرتبط با اخلاق بیشتر فراوانی مضمون را به خود اختصاص داده‌اند.

مقوله توصیه شامل سه زیر مقوله «توصیه‌های اخلاقی، توصیه‌های سیاسی و توصیه‌های اعتقادی» است که زیرمقوله توصیه‌های اخلاقی با ۱۷۳ مضمون بالاترین میزان مضمون را به خود اختصاص داده است.

در مقوله آگاهی‌بخشی، حضرت در زیرمقوله بیان ویژگی‌های خود از «ویژگی دوری از دنیاپرستی و ساده‌زیستی خود» بیشتر یاد کرده‌اند و در استدلال نیز بر توصیه‌های اخلاقی خود بیشتر به استدلال پرداخته‌اند.

با بررسی امر و نهی‌های حضرت، بیشترین فراوانی مضمون در زیر مقولهٔ «اوامر امام در راستای ارتقای سطح اخلاق کارگزاران» دیده می‌شود. حساسیت رعایت عدالت رفتاری با مردم توسط کارگزاران برای حضرت تا حدی است که حضرت ۴۰ درصد از مضامین امرونهی‌های خود را به این موضوع اختصاص داده است.

مقوله هشدار با ۷۱ مضمون از ۱۳۰۸ مضمون ۵,۴۲ درصد از مضامین را به خود اختصاص داده است. در این میان بیشترین فراوانی مضمون در خصوص هشدار از رذیله دنیاپرستی مشاهده می‌شود. حضرت در ۴۳ مضمون یعنی معادل ۶۰,۵۶ درصد از مضامین این مقوله به این هشدار می‌پردازند.

مقوله تشویق با ۵۴ مضمون ۴,۱۲ درصد از مضامین نامه‌های امام به کارگزاران را به خود اختصاص داده است. با بررسی دقیق مضامین به‌کار رفته در مقوله تشویق می‌توان به این نتیجه دست یافت که حضرت کارگزاران خود را در سه جهت اصلی مورد تشویق قرارداده است که عبارتند از: ۱. ارتقای سطح اخلاق کارگزاران، ۲. ارتقای رفتار سیاسی کارگزاران، ۳. ارتقای سطح اعتقادی کارگزاران که تشویق‌های حضرت که در راستای ارتقای سطح اخلاق کارگزاران است بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

مقوله سرزنش در نامه‌های امام به کارگزاران با ۵۳ مضمون ۴,۰۵ درصد از مضامین را به خود اختصاص داده است. با بررسی دقیق مضامین آن می‌توان به این نتیجه دست یافت که بیشترین سرزنش حضرت بر رذیله اخلاقی «دنیاپرستی و عدم ساده‌زیستی» بوده است. حضرت در ۲۴ مضمون به این رذیله پرداخته و در ۱۲ مضمون آنها را بر بی‌عدالتی، تکبر و ظلم به مردم سرزنش می‌کنند.

به‌طور کلی ۳۶ مضمون در باب رذایل اخلاقی صورت گرفته و ۱۷ مضمون باقی مانده در باب بی‌بصیرتی و عدم درایت سیاسی کارگزاران بوده است.

باتوجه به اینکه در اکثر مقوله‌های پرمضمون در نامه‌های حضرت زیرمقوله‌های مرتبط با اخلاق بیشتر فراوانی مضمون را به خود اختصاص داده‌اند می‌توان به جایگاه عظیم اخلاق در مبانی نظری آن حضرت پی برد. (نریمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۲ ـ ۸۷)

ج) مضامین ویژه نامه‌های امام علی به کارگزاران در حوزه اخلاق اجتماعی

در مقوله توصیه زیرمقوله توصیه‌های اخلاقی در حوزه اخلاق اجتماعی با داشتن ۱۰۴ مضمون از میان ۱۷۳ مضمون ۶۰,۱۱ درصد از مضامین زیرمقوله توصیه‌های اخلاقی را به خود اختصاص داده است که این موضوع نشان از اهمیت تقویت اخلاق اجتماعی از سوی کارگزاران در نزد آن حضرت دارد.

از میان ۱۰۴ مضمون این بخش ۴۰ مضمون معادل ۳۸,۴۶ درصد از مضامین درخصوص حفظ کرامت انسان‌ها[1] بیان شده است که این موضوع نشان از اهمیت حفظ کرامت انسان‌ها در نزد کارگزاران برای حضرت دارد. نمودهای زبانی نیز گواه بر این هستند که مضمون ویژه در حوزه اخلاق اجتماعی حفظ کرامت انسان‌ها است؛ چراکه حضرت بیشترین حروف تأکید را نیز در همین خصوص به‌کار برده‌اند.

با بررسی حروف تأکید در بخش زیر مقوله توصیه‌های اخلاقی در نامه‌های امام به کارگزاران چنین به‌دست می‌آید که هرکجا حضرت نهی از سلطه‌گری و تحقیر با مردم را توصیه کرده‌اند از بیشترین حروف تأکید استفاده کرده‌اند. برای مثال: «ولاتقولنّ إني مؤمّرٌ أمر فأطاعَ» «و لاتضربنَّ احداً سوطاً لمکانِ درهمٍ» «و لا تحجبنَّ ذاحاجةٍ عن لقاءک و لا تحتقر من خلقِ الله احداً» و «لاتنصبنَّ نفسک لحربِ اللهِ» (محمودی، ۱۳۷۶: نامه ۱۲۶) که در همه این عبارات نون تأکید ثقیله به کاررفته است. علاوه بر اینکه از روش «اسلوب نکره در سیاق نفی» جهت تأکید در عبارت استفاده شده است. در عبارت اخیر حضرت از سلطه‌گری بر مردم با عنوان «جنگ با خدا» یاد کرده است. ایشان همچنین در مضمون «فنعوذُ بالله من درک الشقاء» (محمودی، ۱۳۷۶: نامه ۱۲۶) از سلطه‌گری برمردم با عنوان «درک الشقاء» به‌معنای بدبخت شدن یاد کرده‌اند.

---

۱. منظور از کرامت این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به‌طور محترمانه زیست کند و با او باید محترمانه برخورد صورت گیرد و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت انسان دیگری را با خطر مواجه سازد. هم‌چنین باید هر فرد جامعه انسانی با هم‌نوع خویش، به‌گونه‌ای عمل کند که موجب بی‌حرمتی به شخص نگردد. احترام به انسان در جامعه به‌عنوان یک اصل مورد پذیرش اسلام بوده و در این خصوص تأکیدات فراوانی صورت پذیرفته است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۷۵ ـ ۷۰)

ایشان سلطه‌گری را سبب «تیرگی قلب، ضعف دین و گرفتاری» دانسته و در مراتب بسیار از «تکبر» نهی فرموده‌اند. ایشان در بیان توجه به عظمت خدا برای درمان تکبر این‌چنین فرموده‌اند:

فَإِنَّ ذَلِک یُطامِنُ إِلَیْک مِنْ طِمَاحِکَ و یَکُفُّ عَنْک مِنْ غَرْبِک وَیَفِیءُ إِلَیْک بِمَا عَزَبَ مِنْ عَقْلِک عَنْک. (نهج‌البلاغه / نامه ۵۳)

زیرا این نگاه تو را از آن سرکشی پایین می‌آورد و از شدّت و تندی تو می‌کاهد و آنچه از نیروی عقلت از دست رفته به تو باز می‌گرداند.

حضرت در این عبارت از تکبر با عنوان نقصان عقل یاد کرده‌اند و با استفاده از سجع، کلام را آهنگین نموده‌اند.

با توجه به آنچه ذکر شد نمودار تعبیر حضرت از سلطه‌گری و تکبر را می‌توان به‌صورت شکل زیر ترسیم نمود.

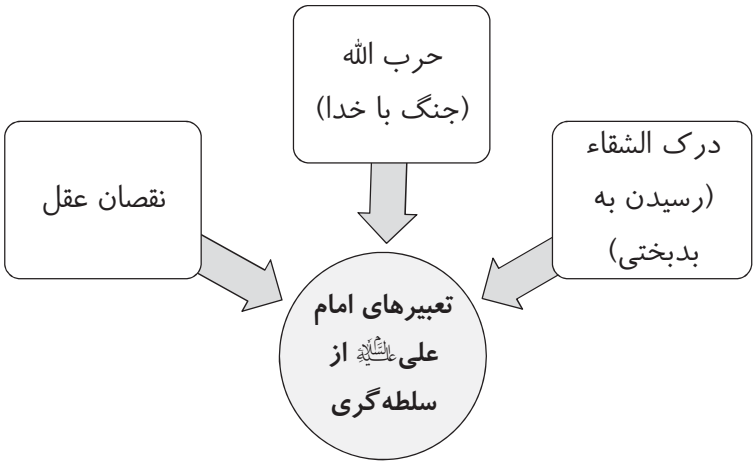

از دیگر روش‌های حضرت برای تأکید مضامین، استفاده از «ایّاک» می‌باشد که از حروف تحذیر است که در این موارد به‌کار رفته است: «ایاک والاعجابَ بنفسِک والثقةَ بما یعجبُک فاحبُّ الاطراء»، «ایاک و المنّ علي رعیَّتک احسان اوالتزید فیما کان...». (محمودی، ۱۳۷۶: نامه ۱۲۶)

حضرت برای بر هر توصیه‌ای که تأکید بیشتری را طلبیده است علتی را بیان کرده‌اند. برای مثال «و تواضع هناک فانّ اللهَ یحبُّ المتواضعین». (همان) استفاده از الفاظی که برای تأکید به‌کار می‌روند مانند لفظ «کلّ» در جمله «قطِّع عنک سببَ کلِّ وترٍ» (همان) و لفظ «أبداً» در مضمون «و لن یغنیک عن الحق شيءٌ ابداً» (همان) نیز در این قسمت مشاهده می‌شود.

ایشان از طریق به‌کارگیری «تشبیه بلیغ زشتی و پلیدی» این رذیله را بر کارگزاران خود به نمایش گذاشته است؛ چنانچه در مضمونی می‌فرمایند: چونان حیوان وحشی بر مردم نباش که خوردن آنها را غنیمت می‌شمارد: «و لاتکوننَّ علیهم سبعاً ضاریاً تغتنمُ اکلَهم». (همان) همان‌طور که مشاهده می‌شود علاوه بر استفاده از تشبیه، از ادات تأکید (نون تأکید) نیز در این مضمون استفاده شده است.

حضرت در این قسمت بعد از نهی از برخی رذایل چون تکبر، سلطه‌طلبی، خودبزرگ بینی و ترش‌رویی از فضایل اخلاقی که سبب حفظ کرامت انسان می‌شود یاد کرده و کارگزاران را به انجام آن توصیه کرده‌اند. برخی از این فضایل عبارتند از: مدارا و میانه‌روی با مردم، فروتنی و خوش‌رفتاری و عیب‌پوشی. با توجه به آنچه گذشت دایره معنایی حفظ کرامت نفس درباره نیازمندان در نزد حضرت را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود.

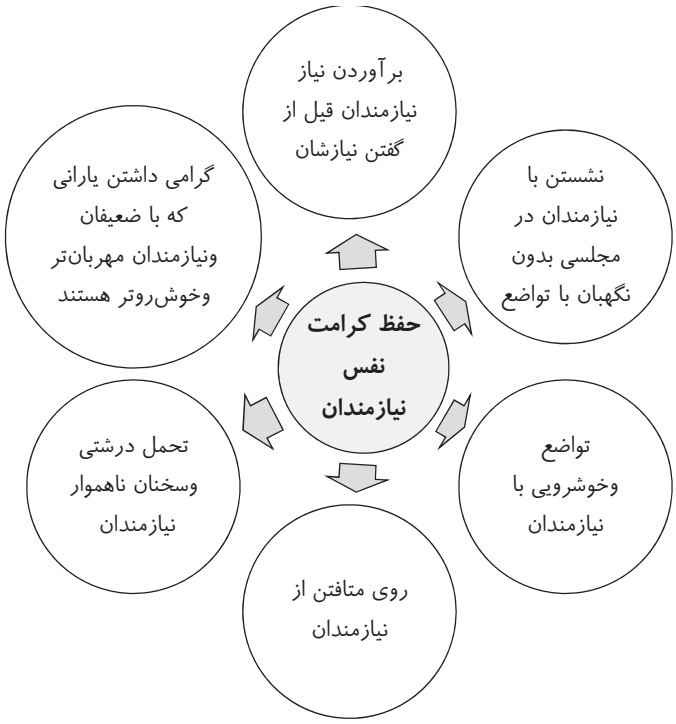

توصیه‌های حضرت درخصوص کرامت نفس تنها به نیازمندان منحصر نمی‌شود. براساس توصیه‌های ایشان درخصوص حفظ کرامت عموم انسان‌ها دایره معنایی حفظ کرامت عموم انسان‌ها را به‌صورت زیر می‌توان ترسیم نمود.

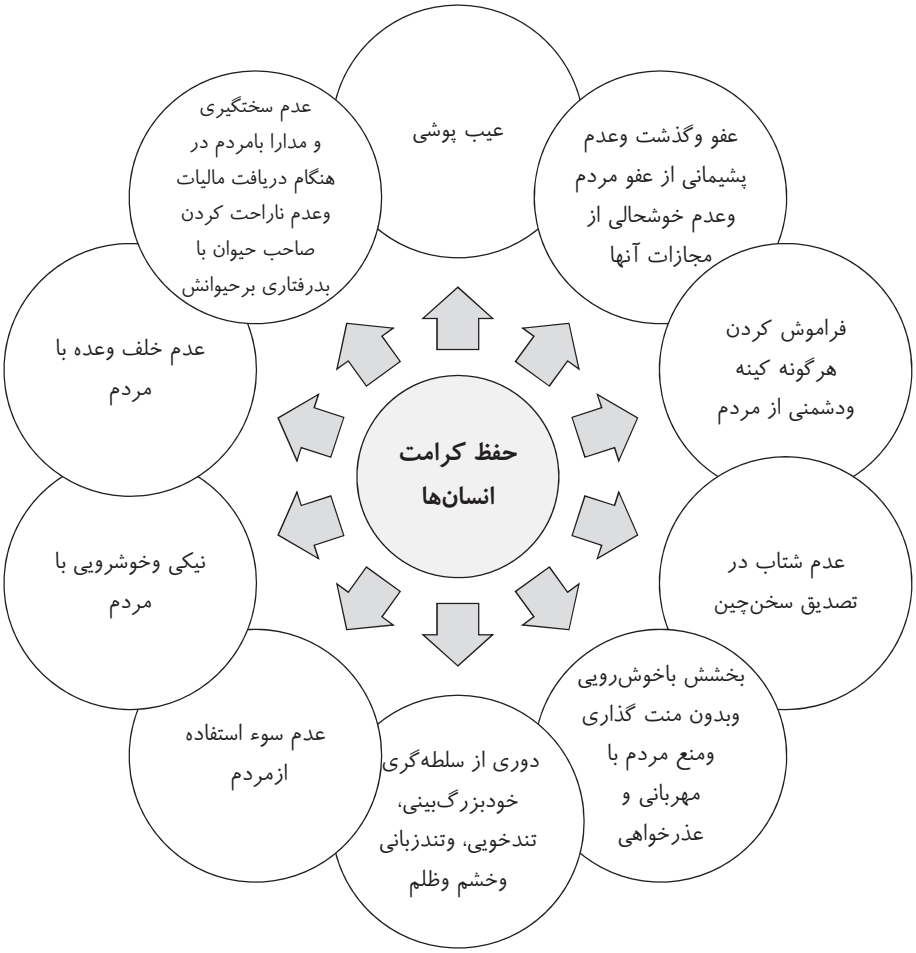

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه دست یافت که حضرت بـا آسـیب‌شناسـی دقیـق از رفتـار کارگزاران، زمان‌هایی را که امکان به خطا افتادن کارگزاران و گرفتار شدن آنها به‌سبب سلطه‌گری را پیش‌بینی و به تفصیل در نامه‌های خود این‌چنین بیان نموده‌اند: در زمان برخورد با نیازمندان، در زمان گرفتن مالیات، در زمان به یادآوردن دشمنی و کینه‌ها، در زمان مجازات مردم، در زمان بخشـش بـر مردم، در هنگام مجاورت با سخن‌چینان و در زمان بروز رذایل تکبر و خود بزرگ‌بینی.

حضرت در امر و نهی‌های[1] به کارگزاران حفظ کرامت انسان‌ها را محترم دانسته اسـت. اصـولاً امر و نهی‌های حضرت در چهار راسـتای «تحقـق عـدالت اجتمـاعی»، «تحقـق اهـداف سیاسـی

۲. دربیان تفاوت روش امرونهی با روش توصیه باید گفت در توصیه جنبه اقناعی بسیار قـوی اسـت امـا در امرونهـی جنبـه اقناعی کم‌رنگ‌تر و جنبه فشاربیرونی برای وادارکردن فرد به عمل بارزتر است. آمر و ناهی درصدد آن هستند که بافشـار بیرونی فرد وادار به عمل شود خواه خود او از صمیم قلب مایل به آن کار باشد یا نباشد. (داودی، ۱۳۸۴: ۲۲۰)

حکومت»، «تحقق عدالت اقتصادی»، «اجرای شرائع و اعتقادات دینی» صورت گرفته که در این میان عدالت اجتماعی (رفتاری) با اختصاص ۸۶ مضمون بالاترین فراوانی (۴۰ درصد) را به خود اختصاص داده است. از این ۸۶ مضمون ۳۶ مضمون (۴۱ درصد) درخصوص حفظ کرامت انسان‌هاست.

در مضامین مقوله امر و نهی علاوه‌بر بیان علت، از دیگر روش‌ها نیز برای تأکید استفاده شده است. ازجمله استفاده از «نون تأکید ثقیله» و استفاده از اسلوب «نکره در سیاق نفی». این نوع تأکید بیشتر در مضمون‌های مربوط به حفظ کرامت انسانی استفاده شده بود. برای مثال «لا تحشموا احداً عن حاجتِه، و لا تحبسوه عن طلبتِه»، «لا تمسّنَّ مالَ احدٍ من الناس، مصلٍّ و لا معاهدٍ»، «و لاتسرعنَّ إلی بادرةٍ وجدتَ عنها مندوحةً» و «ولاتروعنَّ مسلماً». (همان)

یکی از اسلوب‌های حضرت در این قسمت استفاده از «مفعول مطلق نوعی» است تا نوع و چگونگی امر را کاملاً بر کارگزار آشکار سازند. برای مثال در دو مضمون امر به رسیدگی به خانواده سربازان و محرومان می‌فرمایند: «تفقد امورهم بما یتفقد الوالد من ولده» و «فاخلفه في عياله بمايخلف به الوصي الشفيق». (همان) این نوع بیان حاکی از حرص حضرت بر رسیدگی تمام و بی‌نقص بر محرومان و خانواده سربازان می‌باشد. از دیگر روش‌های حضرت برای تأکید، استفاده از «ایاک» است. برای مثال: «ایاک والاستئثارَ». (همان)

اما کلماتی که روش نوع‌شناسی‌های مکنون معنای آن را آشکارتر می‌سازد، واژه «مسلم» است که در مضمون «أمره باللينِ على المسلم، والغلظةِ على الفاجر» (همان) قابل مشاهده است. نکته قابل توجه این است که این کلمه را حضرت در مقابل کلمه فاجر قرار داده‌اند نه کافر. اصل بر آن است که کلمه مسلم در مقابل کلمه کافر قرار گیرد. نکته‌ای که در این هم‌نشینی نامتعارف قابل درک است اینکه حضرت وقتی از نرمی با مسلمان سخن می‌گویند مسلمانی را مدنظر دارند که از فسق و فجور برحذر باشد و سخت‌گیری بر فاجر (شخصی که اهل فسق و فجور است) یکی از روش‌های تربیتی اسلام است.

باتوجه به مضامین این بخش دایره معنایی حفظ کرامت انسان‌ها در نزد حضرت را به شکل زیر می‌توان ترسیم نمود.

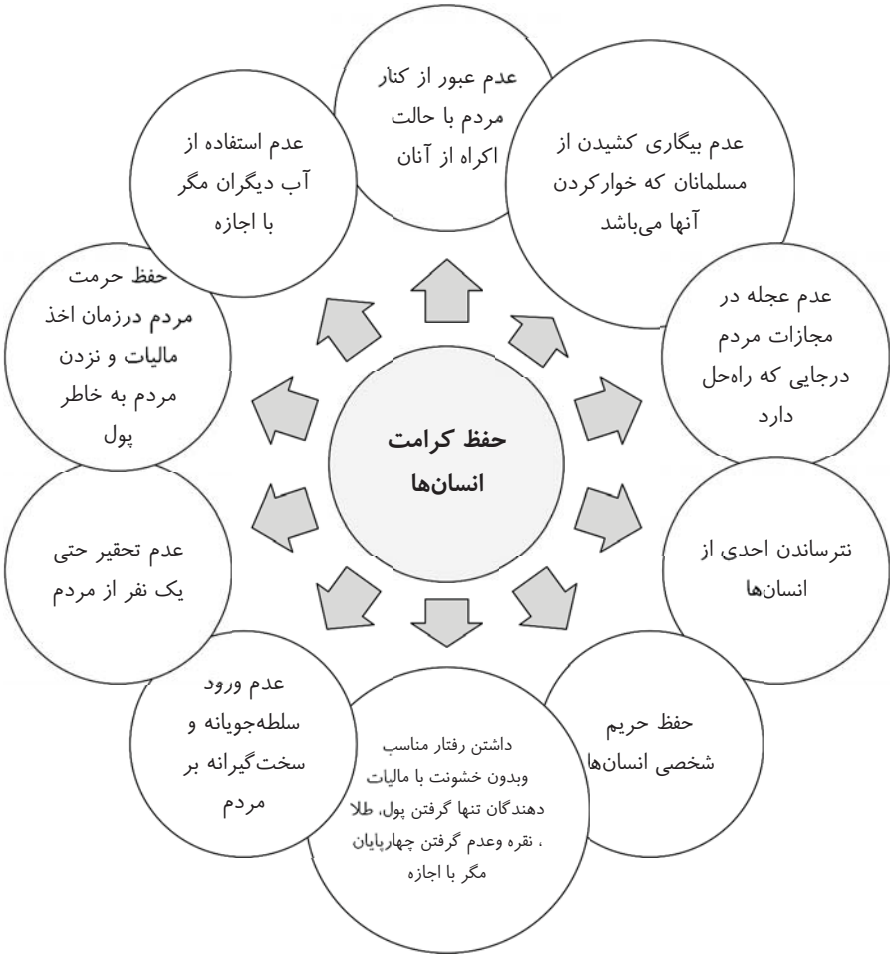

اگر به مضامین این دایره معنایی توجه شود چنین دریافت می‌شود که بیشتر مضامین این بخش هستند اکثر مضامین با الفاظ نفی و نهی شروع می‌شوند که از این موضوع به‌راحتی می‌توان دریافت که هرجا سخن از عناصر کرامت‌ستیز مانند تحقیر، اهانت و هتک حرمت مردم در میان باشد حضرت از امر موّکد استفاده نموده‌اند. در این قسمت هم مانند مقوله توصیه، مضمون‌هایی که درباره نیازمندان بیان شده است در نموداری جداگانه ترسیم شده است.

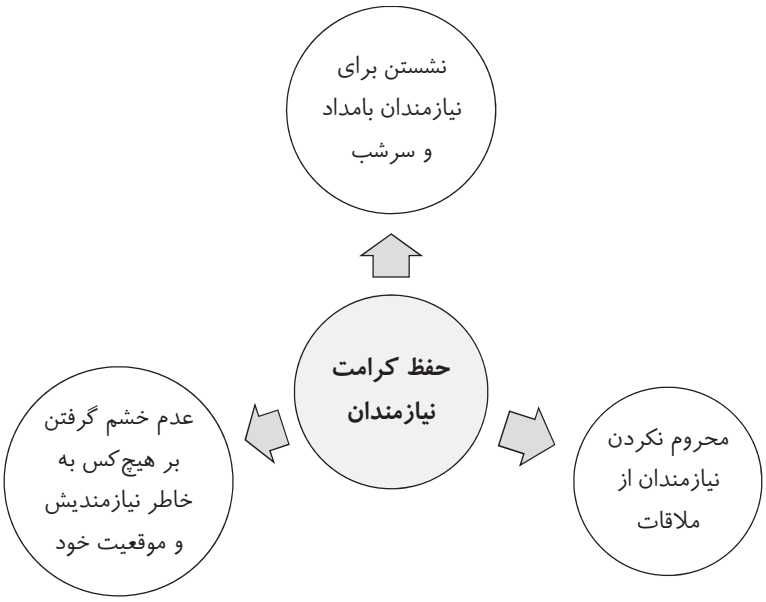

در مقوله استدلال در زیرمقوله بیان علت بر توصیه‌های اخلاقی فردی و اجتماعی که ۴۷ مضمون را به خود اختصاص داده است، ۱۸ مضمون (۳۸,۲۹ درصد) در بیان علت بر توصیه به حفظ کرامت انسان‌ها بیان شده است. استفاده از روایات در این قسمت بیشتر از دیگر قسمت‌ها مشاهده می‌شود که روایات به‌کار رفته در این قسمت عبارتند از: «وقد قال رسولُ الله صلي الله عليه وآله: الكبرُ رداء الله، فمن نازع اللهَ رداءَه قصمَه» (همان: نامه ۱۴۴) که در بیان علت توصیه به پرهیز از تکبر آمده است. روایت «فإني سمعتُ رسول الله صلى الله عليه وآله يقول في غير موطنٍ: «لن تقدَّس أمةٌ لا يؤخذُ للضعيفِ فيها حقُّه غيرَ متتعتعٍ» (همان: نامه ۱۲۶) نیز در بیان توصیه به نشستن در مجلسی عمومی با نیازمندان آمده است.

بیشتر مضامین با ایجاز بیان شده‌اند جز بعضی از مضامین که با صنعت تزییل بیان شده‌اند مانند مضمون بیان علت بر توصیه به عدم بدرفتاری با مردم: «فإنّهم صنفان: إما أخٌ لک في الدين، وإما نظيرٌ لک في الخلقةِ». (همان)

تشویق‌های حضرت در راستای ارتقای سطح اخلاق کارگزاران با ۲۷ مضمون ۵۰ درصد از مضامین مقوله تشویق را به خود اختصاص داده است. ۱۷مضمون معادل ۶۲,۹۶ درصد در راستای حفظ کرامت انسان‌ها بوده است.

در مقوله هشدار بعد از رذیله دنیاپرستی و دوری از ساده‌زیستی، رذیله ظلم و تکبر با اختصاص ۹,۸۵ درصد از مضامین، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

در مقوله سرزنش، حضرت در ۱۲ مضمون معادل ۳۳,۳۳ درصد از مضامین، کارگزاران را بر ظلم و بدرفتاری و تکبر بر مردم سرزنش نموده‌اند.

د) مضامین ویژه نامه‌های امام علی به کارگزاران در حوزه اخلاق فردی

در مقوله توصیه، در زیرمقوله توصیه‌های اخلاقی در حوزه اخلاق فردی که ۳۹,۸۸ درصد از مضامین زیرمقوله توصیه‌های اخلاقی را به خود اختصاص داده است، ۷,۲۴ درصد از مضامین در توصیه به ساده‌زیستی و دوری از دنیاپرستی بیان شده است که دوری از هواپرستی و نفس اماره نیز ۷,۲۴ درصد از مضامین را به خود اختصاص داده است.

از رذایلی که حضرت در حوزه اخلاق فردی از آن یاد کرده است «دنیاپرستی و دوری از ساده‌زیستی، پرداختن به غیر وظیفه، هم‌نشینی با فساق، شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری، پیروی از هوا و هوس و نفس اماره» می‌باشد. اما فضایلی که حضرت از آنها یاد کرده است عبارتند از: «صبر، دوراندیشی، خویشتن‌داری، اندیشیدن در امور، پند به خود، نیکو داشتن نعمت‌ها، ساده‌زیستی، عبرت‌گیری از دنیا، توجه به عظمت و قدرت خداوند، یاد مرگ». بیشترین فراوانی مضمون در این قسمت مربوط به «ساده‌زیستی و دوری از دنیاطلبی» است.

در یک بیان کلی از مضامین این بخش می‌توان گفت که راهکار حضرت برای دستیابی به اخلاق فردی مطلوب، اندیشیدن به امور مطلوب و حفظ خواطر می‌باشد. اندیشیدن به مرگ، عظمت خداوند و هر آنچه که به‌کار انسان می‌آید. بعد از آن، دوری از دنیاطلبی، هواپرستی و هم‌نشینی با فساق برای حفظ اخلاق فردی مطلوب، توصیه شده است.

در مقوله آگاهی‌بخشی، زیر مقوله بیان ویژگی‌ها و رویکردهای خود با ۵۰ مضمون معادل ۲۲,۳۲ درصد از مضامین مقولهٔ آگاهی‌بخشی را به خود اختصاص داده است. حضرت در بیان ویژگی‌های خود بر کارگزاران به بیان سه ویژگی از خود پرداخته‌اند که این سه ویژگی (مضمون اصلی) عبارتند از: «معرفت و قرب خداوند، شجاعت و دلاوری و دوری از تعلقات دنیوی». ویژگی «دوری از تعلقات دنیوی» با اختصاص ۲۳ مضمون، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

در مقوله استدلال حضرت در ۱۷ مضمون معادل ۱۱,۳۳ درصد، بر بعضی ویژگی‌ها و اعمال، علت را بیان داشتند. از این ۱۷ مضمون، ۸ مضمون معادل ۷۲,۷۲ درصد در استدلال بر ویژگی ساده‌زیستی حضرت آمده است. حضرت در مضامین زیبایی در بیان این ویژگی خود یعنی ساده‌زیستی و دوری از تن‌پروری از استعاره تمثیلیه زیبایی بهره می‌برند و چنین می‌فرمایند:

ألا و إنّ الشجرة البرية أصلب عوداً و الروائع الخضرة ارقّ جلوداً و النابتات العذبة أقوي وقوداً و أبطأ خموداً. (سیدرضی، ۱۳۷۹: نامه ۴۵)

بدانید درختی را که در بیابانِ خشک روید شاخه سخت‌تر بود، و سبزه‌های خوش‌نما را پوست نازک‌تر و رستنی‌های صحرایی را آتش افروخته‌تر و خاموشی آن دیرتر؛ بدین‌معنا که انسان مانند یک گیاه است که هرچه طی رشد خود شرایط سخت‌تری داشته باشد، قوی‌تر می‌شود.

حضرت در این عبارت از «ألا» که از ادات تنبیه است استفاده نموده‌اند تا بر موضوع خود تأکید بیشتری داشته باشند.

ایشان در جای دیگری از استفهام انکاری برای تأکید خود استفاده کرده‌اند؛ آنجا که می‌فرمایند:

أو أبيت مبطاناً و حولي بطونٌ غرثَى و أكبادٌ حَرَّي. (همان)

آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته.

این عبارت در اوج زیبایی بیان شده‌اند. حضرت با استفاده از حروف مد در انتهای دو مقطع پایانی، آهنگی دل‌نشین که حاکی از انکار و عدم پذیرش این موضوع بر ایشان است را ایجاد نموده‌اند.

ایشان در دو مضمون «فوالله لا اذلُّ لک فتستذلّيني، ولا أسلَسُ لک فتقوديني». (همان) علاوه بر استفاده از صنعت جان‌بخشی به اشیاء با استفاده از سجع، کلام خود را آهنگین نموده‌اند.

در مقوله هشدار، حضرت از رذیله «دنیاپرستی» که نقیض فضیلت «ساده‌زیستی» است بیشتر هشدار می‌دهند و این موضوع بیانگر انحراف اخلاقی کارگزاران در این زمینه است که به گواه تاریخ این رذیله پیامد قانون‌گذاری‌های نادرست خلفای پیشین بوده است. مضامین به‌کار رفته در هشدار از این رذیله، ۶۰,۵۶ درصد از مضامین این قسمت را به خود اختصاص داده است و این فراوانیِ مضمون، بیانگر اهمیت و توجه امام به رذالت دنیاپرستی و هشداردادن از آن می‌باشد. حضرت در هشدار از این رذیله از اسلوب‌های بیانی مختلفی استفاده کرده‌اند. گاهی دنیا را مخاطب قرار داده‌اند و با جان‌بخشی به دنیا به کارگزاران خود هشدار می‌دهند و می‌فرمایند:

أين القرونُ الذين غررتِهم بمداعبک اين الاممُ الذين فتنتِهم بزخارفِک ... مَن وَطِيءَ دحضَک زلقَ و من ركبَ لُججَک غرقَ. (همان)

علاوه بر این گاهی از اوقات از تمثیل بهره می‌جویند. برای نمونه وقتی می‌خواهند به عثمان بن

حنیف به فانی بودن دنیا هشدار دهند برای او سندی تنظیم می‌کنند و دو طرف معامله‌گر را فانی توصیف می‌کنند که زمان زندگی آنها کوتاه است.

گاهی از الفاظ تنبیه نیز استفاده می‌کنند. برای مثال: «واعلم أن حسابَ اللهِ اعظمُ من حسابِ الناس» (محمودی، ۱۳۷۶: نامه ۱۶۶) و «واعلم أن الدنیا فانیةٌ، و أن الاخرةَ باقیةٌ». (همان: نامه ۵۷)

گاهی از آیات قرآن بهره می‌جویند. برای مثال در خطاب به مصقله می‌فرمایند: «فتکون من الاخسرین اعمالاً الذین ضلّ سعیهم في الحیاة الدنیا و هم یحسبون أنهم یحسنون صنعاً». (همان: نامه ۱۳۸)

گاهی مستقیماً فعل «احذرک؛ هشدار می‌دهم» را به‌کار می‌برند. مانند: «و اُحذرکَ أن تحبطَ أجرک و تبطلَ جهادک فإنّ خیانةَ المسلمین مما یحبطُ الاجرَ و یبطلُ الجهادَ». (همان: نامه ۱۸۰) گاهی از لفظ «ایّاک» بهره می‌جویند. برای مثال: «و إیّاک أن ینزلَ بک الموتُ و انت آبقٌ من ربّک في طلبِ الدنیا». (سیدرضی، ۱۳۷۹: نامه ۶۹)

حضرت در بیشتر عبارات خود کارگزاران را به خسران در دنیا و آخرت هشدار داده‌اند و در انتها خسران آخرت را پایدارتر و سخت‌تر توصیف کرده‌اند که مضمون «و ما یشفي علیه بعد أمرّ و أبقی و اول و أشقی» (محمودی، ۱۳۷۶: نامه ۱۱۰) گویای این مطلب است.

ایشان در مقوله تشویق، در ۱۱٫۱۱ درصد از مضامین، کارگزاران را به «ساده‌زیستی و دوری از دنیاپرستی» تشویق نموده‌اند. حضرت در مقوله سرزنش در ۲۵ مضمون، معادل ۶۶٫۶۶ درصد از مضامین این زیرمقوله، کارگزاران را بر رذیله دنیاپرستی و دوری از ساده‌زیستی سرزنش کرده‌اند.

باتوجه به آنچه در مقوله سرزنش، هشدار و توصیه درباره دنیاپرستی و ساده‌زیستی بیان شد، می‌توان دایره معنایی ساده‌زیستی و دوری از تعلقات دنیوی ـ که مطلوب حضرت برای کارگزاران بوده است ـ بدین شکل ترسیم نمود.

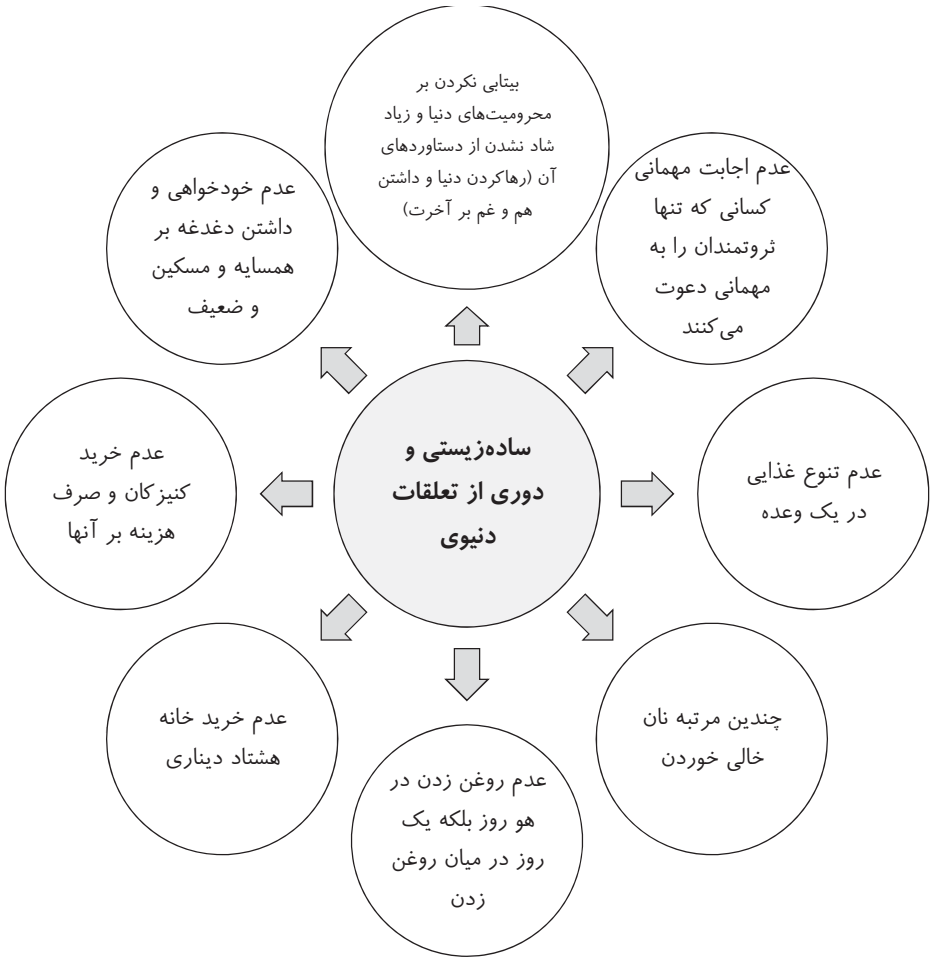

آنچه در این دایره معنایی مشهود است گونه‌ای از ساده‌زیستی است که مطلوب آن برای کارگزاران در نزد حضرت است که می‌بایست کارگزاران از آن برخوردار باشند. اما باتوجه به مضامینی که در زیرمقوله بیان ویژگی‌ها و رویکردهای خود از مقوله آگاهی‌بخشی ذکر شد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که ساده‌زیستی و دوری از تعلقات دنیوی در نامه‌های حکومتی آن حضرت دارای مراتبی است که اوج آن را می‌توان در بیان ویژگی حضرت از خود مشاهده نمود.

برای فراهم‌سازی امکان مقایسه برای مخاطب، دایره معنایی ساده‌زیستیی که حضرت خود را بدان ملزم کرده بود، ترسیم می‌گردد.

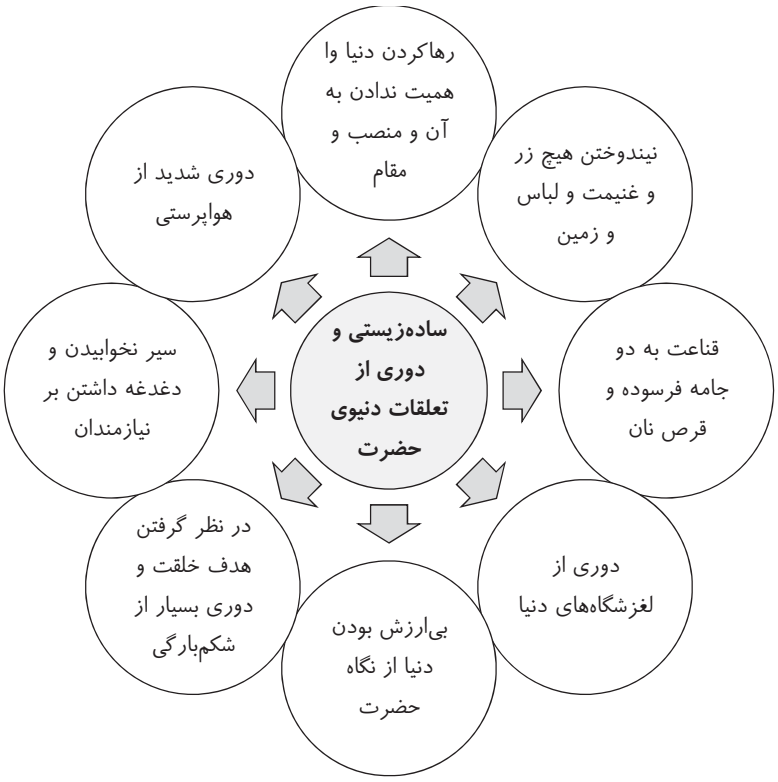

مقایسه دو دایره معنایی

در هردو دایره معنایی (دایره معنایی ساده‌زیستی که حضرت خود را بدان ملزم کرده بوده‌اند و دایره ساده‌زیستی‌ای که کارگزاران می‌بایست از آن برخوردار باشند) «رها کردن دنیا و اهمیت ندادن به آن» به‌عنوان مؤلفه‌هایی از «ساده‌زیستی و دوری از تعلقات دنیوی» ذکر شده است با این تفاوت که تعبیر حضرت برای رها کردن دنیا در ساده‌زیستی کارگزاران در مضمون «فما أتاکَ مِن الدنیا فلاتکثر به فرحاً ومافاتَک منها فلا تُکثِر علیه جزعاً» (همان: نامه ۱۷۱) بیان شده است درحالی‌که تعبیر ایشان برای رها کردن دنیا در ساده‌زیستی که خودِ ایشان بدان ملزم بوده است، در مضمون «فحبلکَ علی غاربک» (سیدرضی، ۱۳۷۹: نامه ۴۵) بیان شده است در این عبارت انداختن افسار بر دوش حیوان کنایه از رها کردن دنیا به حال خود و اهمیت ندادن بدان آمده است. در ادامه این عبارت حضرت می‌فرماید:

> اعْزُبِي عَنِّي! فَوَاللَّهِ لَاأَذِلُّ لَک فَتَسْتَذِلِّينِي، وَلَا أَسْلَسُ لَک فَتَقُودِين. (همان)
>
> (ای دنیا) از من دور شو به خدا سوگند من رامِ تو نخواهم شد تا مرا خوار و ذلیل‌سازی و زمام اختیارم را به‌دست تو نخواهم سپرد که به هرجا خواهی ببری.

درحالی‌که حضرت برای رها کردن دنیا از کارگزار خود فقط می‌خواهد که بر دستاوردهای دنیوی شادمانی نکند و بر محرومیت‌های آن بی‌تابی نشان ندهد، رهایی خود از دنیا را با مبالغه بسیار بیان می‌نماید. حضرت در کنایه یادشده اولاً با استعاره مکنیه دنیا را به حیوانی تشبیه نموده‌اند و از این طریق زشتی دنیا در نظر خود را نشان داده‌اند و با کنایه انداختن افسار بر دوش حیوان، بی‌اهمیتی بسیار خود را با مبالغه بیشتر به نمایش درآورده‌اند. این درحالی است که در عبارات بعدی از ادات «تأکید قسم» برای تأکید مضمون خود استفاده کرده‌اند. اینکه حضرت دنیا را این‌گونه مخاطب می‌سازد و او را به محاکمه‌ای شدید فرا می‌خواند و سرانجام این‌چنین محکومش می‌کند و خویش را از دام او رهایی می‌بخشد، بیانگر تسلط ایشان بر هوای نفس و ساده‌زیستی بسیار آن حضرت می‌باشد.

در هر دو دایره معنایی «دوری از شکم‌بارگی» از مؤلفه‌های معنایی ساده‌زیستی شمرده می‌شود. با این تفاوت که حضرت در سرزنش شکم‌بارگی کارگزار می‌فرمایند: «به من خبر رسیده است که در یک وعده غذایی از چندین نوع غذا استفاده کرده‌ای ... چه می‌شد اگر چندین مرتبه نان خالی را به‌عنوان یک وعده غذایی استفاده می‌کردی». اما در مورد دوری خود از شکم‌بارگی چنین می‌فرمایند:

> به خدا سوگند ـ سوگندی که تنها مشیت خدا را از آن استثنا می‌کنم ـ آن‌چنان نفس خویش را به ریاضت وامی‌دارم که هرگاه به یک قرص نان دست یابد به آن دلخوش شود و به نمک به‌عنوان خورش، قناعت کند. (همان)

ایشان سخن از ریاضت بسیار شدید و مهمّی در میان می‌آورند که حاکی از اراده نیرومندشان و سلطه عجیبشان بر نفس خویش است. چه ریاضتی از این بالاتر که انسان آن‌قدر گرسنگی را بر خود تحمیل کند که اگر روزی به قرص نان و کمی نمک دست یابد، نفس او شادمان گردد که نان و خورشت خوبی پیدا کرده است. آنگاه در جمله بعد با ادبیاتی دیگر و تشبیهاتی صریح‌تر می‌فرماید:

> آیا همان‌گونه که گوسفندان در بیابان، شکم را از علف‌ها پر می‌کنند و می‌خوابند یا گله‌هایی که در آغل‌ها هستند از علف سیر می‌شوند و استراحت می‌کنند، علی هم باید از زاد و توشه خود سیر شود و به استراحت پردازد؟ در این صورت چشمش روشن باد که پس از سال‌ها عمر، به چهارپایان رهاشده بی‌شبان و گوسفندانی که آنها را به بیابان برای چرا می‌برند، اقتدا کرده است.

ایشان جای دیگر می‌فرمایند:

هيهاتَ ان يغلبني هواي قادني جشعي الي تخير الاطعمةِ. (همان)

بسیار از من دور است که هوای نفس مرا به انتخاب انواع غذاها بکشاند.

در این عبارت حضرت با استفاده از اسم فعل «هیهات» به مبالغه مضمون خود افزوده‌اند.

بنابر آنچه گذشت حضرت برای پرهیز از شکم‌بارگی کارگزاران از آنان می‌خواهند که در یک وعده غذایی، تنوع غذایی نداشته باشند و چند باری نیز به نان خالی اکتفا کنند اما خود را در این خصوص به ریاضت می‌کشانند و از این مرتبه، بسیار فراتر می‌روند و درحالی‌که کارگزاران خود را بر مشغول شدن به مظاهر دنیوی همچون روغن زدن هرروزه، اجابت مهمانی ثروتمندان، خرید کنیزکان و خانه ۸۰ دیناری سرزنش می‌کنند، بی‌ارزشی دنیا را در نزد خود با عبارت معروف «و لهي في عيني أوهَى و أهونُ من عَفصةٍ مَقرةٍ» (همان) نشان می‌دهند و دوری خود از انواع لغزشگاه‌های دنیا را با سه عبارتی که در تبیین مضمون دوری از لغزشگاه‌های دنیا گذشت، نشان می‌دهند.

ایشان در خصوص «عدم مال اندوزی خود» از پنج مضمون «فواللهِ ما كنزتُ من دنياكم تبراً ولا أدَّخرتُ من غنائمها وفراً ولا أعددتُ لبالي ثوبي طمراً، ولا حزتُ من أرضها شبراً، ولا أخذت منه الا كَقُوتِ أتانٍ دَبِرَةً» (همان) بهره می‌برند.

همان‌گونه که مشخص است حضرت عدم مال‌اندوزی خود را با اطناب و قیدهای تأکیدی چون «قسم، تکرار حرف نفی و استفاده از اسلوب نکره در سیاق نفی» بیان می‌دارند و با تأکید بر این صفت خود می‌افزایند.

نکته‌ای که باید درخصوص خرید خانه ۸۰ دیناری ذکر شود این است که هشتاد دینار که مبلغ این خانه بوده در آن زمان بهای سنگینی نبوده؛ ولی چون خریدار خانه یکی از قضات است و قاضی همیشه در معرض اتهام و وسوسه‌های نفسانی است امام‌ﷺ این مقدار را نیز برای او نمی‌پسندند. از این گذشته دوران حکومت امام بعد از دوران پر مخاطره عثمان بود که با ریخت‌وپاش گسترده بیت‌المال و روی آوردن گروهی از سرشناسان جامعه اسلامی به زندگی پر زرق‌وبرق صورت گرفت و امام برای متوقف ساختن این جریان خطرناک همواره در خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه درباره دنیای مادی و زخارف فریبنده آن هشدار می‌دهد و خود نیز زندگی بسیار زاهدانه‌ای را درحالی‌که در رأس حکومت اسلامی است پیش می‌گیرد. همه اینها برای آن بوده است که آن فرهنگ نادرست ضد اسلامی را دگرگون سازد و مسلمانان را به فرهنگ عصر پیغمبر اکرم باز گرداند. به‌یقین در آن زمان قصرها و خانه‌های گران‌قیمت که بسیار از خانه خریداری شده به وسیله شریح پر زرق و برق‌تر و

گران‌بهاتر بود، کم نبود. این نامه هشداری به همه شمرده می‌شد که دست‌وپای خود را جمع کنند و حال و هوای حکومت حضرت را دریابند. به‌یقین این نامه در همان زمان دست‌به‌دست می‌گشت و بسیاری از مردم از آن باخبر شدند که امام نامه‌ای بدین مضمون برای شریح قاضی نوشته است و به‌دنبال آن عده‌ای واقعاً متنبّه شدند و سبب شد گروهی نیز از ترس اعتراض مردم خود را با آن هماهنگ سازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۹ / ۵۵ ـ ۵۴)

ساده‌زیستی مطلوب حضرت برای مردم را در نامه‌های ایشان به مردم در تشویق آنان به تقوا می‌توان یافت. آن حضرت به مشارکت متقین با اهل دنیا و از سویی تلاش آنها برای آخرت و استفاده و بهره‌وری آنها از بهترین نعمت‌های دنیا اشاره کرده‌اند و در پایان فرموده‌اند:

> آنها در قیامت همسایگان خداوند هستند. هرآنچه که آرزو کنند به آنها داده می‌شود و هیچ خواسته‌ای از آنها رد نمی‌شود و در بهره آنها از لذتْ نقصانی وجود ندارد. بندگان عاقل خداوند باید به این نوع سبک زندگی عشق بورزند و با تقوای الهی برای آن عمل کنند. (نهج‌السعادهٔ / نامه ۵۱)

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه دست یافت که ساده‌زیستی و دوری از تعلقات دنیوی در نامه‌های حضرت مراتبی دارد، در حالی‌که بالاترین مراتب آن را می‌توان در خود حضرت یافت. ساده‌زیستی مطلوب حضرت برای کارگزاران در مرتبه‌ای پایین‌تر از ساده‌زیستی حضرت و ساده‌زیستی مطلوب حضرت برای مردم در مرتبه‌ای پایین‌تر از کارگزاران قرار دارد.

هـ) مضامین ویژه نامه‌های امام علی به کارگزاران در حوزه اخلاق الهی

در این پژوهش مضامین اخلاق الهی در زیرمقوله‌های اعتقادی مورد بررسی واقع شده است. مضامین زیرمقوله توصیه‌های اعتقادی عبارتند از: «توصیه به توبه، تقوا، خلوص و نیت الهی و پاک، اطاعت، عبادت، انجام فرائض، کمک و یاری خدا و دینش، تعظیم نام خدا و اتخاذ حلال و حرام قرآن و کمک از آن، برپایی زکات، نماز و ...».

مضامین این بخش با ایجاز و در مواقعی با مساوات بیان شده و از هرگونه اطنابی پرهیز شده است. استفاده از تشبیه و استعاره و کنایه به‌ندرت دیده می‌شود. اما به‌کارگیری سبک قرآنی یا آیه‌های قرآن و روایات در بیان این توصیه‌ها مشهود است. برای تأکید تنها از بیان علت بهره برده شده است. بیشترین فراوانی که در این بخش دیده می‌شود توصیه به تقواست به‌گونه‌ای‌که تقریباً در ابتدای هریک از نامه‌های ذکر شده برای هر مخاطب، توصیه به تقوا دیده می‌شود. این موضوع نشان از

اهمیت تقوامداری در نگرش آن حضرت دارد.

حضرت در ۱۲ مضمون، معادل ۸ درصد از مضامین مقوله استدلال، بر توصیه‌های اعتقادی خود به کارگزاران، بیان علت آورده‌اند که سه مضمون، معادل ۲۵ درصد از مضامین این زیرمقوله، در بیان علت توصیه به تقوا می‌باشد.

در مقوله آگاهی‌بخشی زیرمقوله بیان ویژگی‌ها و رویکردهای خود با ۵۰ مضمون، معادل ۲۲,۳۲ درصد از مضامین مقولهٔ آگاهی‌بخشی را به خود اختصاص داده است. حضرت در بیان ویژگی‌های خود بر کارگزاران به بیان سه ویژگی از خود پرداخته‌اند که این سه ویژگی یا سه مضمون اصلی عبارتند از: «معرفت و قرب خداوند، شجاعت و دلاوری و دوری از تعلقات دنیوی» که ویژگی معرفت و قرب و تقوای حضرت با ۷ مضمون معادل ۱۴درصد از مضامین این بخش را به خود اختصاص داده است.

تشویق‌های حضرت در راستای ارتقای سطح اعتقادی کارگزاران با ۹ مضمون معادل ۱۶,۶۶ درصد از مضامین مقوله تشویق را به خود اختصاص داده است. ۴۴,۴۴ درصد از مضامین در تشویق به تقوا بیان شده است.

نتیجه

۱. پژوهش در نامه‌های امام علی‌ﷺ به کارگزاران با روش تحلیل محتوای کیفی و کاربست نرم‌افزار MAXQDA این نتیجه را به‌دست می‌دهد که اخلاق در مبانی نظری حضرت از جایگاه عظیمی برخوردار است؛ چراکه در تمام مقوله‌های پرمضمون در نامه‌های حضرت زیرمقوله‌های مرتبط با اخلاق، بیشترین فراوانی مضمون را به خود اختصاص داده‌اند.

۲. با توجه به شمول اخلاق بر حوزه‌های اخلاق اجتماعی، فردی، الهی از دیدگاه و مبانی نظری حضرت تقویت اخلاق اجتماعی برای کارگزاران از اولویت بالاتری نسبت به دو حوزه دیگر برخوردار است؛ چراکه حضرت با روش‌های تربیتی توصیه، امر و نهی، هشدار، استدلال، تشویق و سرزنش در راستای تقویت کارگزاران در این خصوص اقدام نموده‌اند و بیشترین مضامین را به این حوزه اختصاص داده‌اند.

۳. در حوزه اخلاق اجتماعی، مضمون ویژه و اصلی مضمون «حفظ کرامت انسان‌ها» است که هم بسامد بالایی از مضامین را به خود اختصاص داده است و هم نمودهای زبانی گواه ویژه‌بودن این مضمون است. حضرت با آسیب‌شناسی دقیق از رفتار کارگزاران، زمان‌هایی را که امکان به خطا افتادن کارگزاران و گرفتار شدن آنها به سلطه‌گری بوده است، دریافته و به تفصیل آنها را در

نامه‌های خود به کارگزاران بیان نموده‌اند که عبارتند از: در زمان برخورد با نیازمندان، در زمان گرفتن مالیات، در زمان به‌یاد آوردن دشمنی و کینه‌ها، در زمان مجازات مردم، در زمان بخشش بر مردم، در هنگام مجاورت با سخن‌چینان و در زمان بروز رذایل تکبر و خودبزرگ‌بینی. با توجه به بسامد بالای مضامینی که درخصوص حفظ کرامت نیازمندان بیان شده است می‌توان به این نکته دست یافت که در مبانی نظری آن حضرت، حفظ کرامت نیازمندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۴. در حوزه اخلاق فردی، مضمون ویژه «ساده‌زیستی و دوری از دنیاپرستی» است. آن حضرت با روش‌های توصیه، امر و نهی، استدلال، تشویق، هشدار و سرزنش در راستای تقویت کارگزاران در این خصوص اقدام کرده‌اند. ساده‌زیستی و دوری از تعلقات دنیوی در نامه‌های حضرت مراتبی دارد؛ درحالی‌که بالاترین مراتب آن را می‌توان در خود حضرت یافت؛ ساده‌زیستی مطلوب حضرت برای کارگزاران در مرتبه‌ای پایین‌تر از ساده‌زیستی حضرت و ساده‌زیستی مطلوب حضرت برای مردم در مرتبه‌ای پایین‌تر از کارگزاران قرار دارد.

۵. در حوزه اخلاق الهی مضمون ویژه «تقوای الهی» است که حضرت با روش‌های توصیه، آگاهی‌بخشی، استدلال و تشویق در راستای تقویت کارگزاران در این خصوص اقدام نموده‌اند.

۶. با دقت در روش‌های تربیتی که در حوزه‌های اخلاق فردی، اجتماعی و الهی به‌کار برده‌اند می‌توان دریافت که با توجه به اینکه حضرت از روش تربیتی امر و نهی در حوزه اخلاق فردی و الهی بهره نبرده‌اند و از این روش تنها در حوزه اخلاق اجتماعی بهره برده‌اند، حفظ اخلاق اجتماعی از سوی کارگزاران در مبانی نظری حضرت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به فراوانی مضامین به‌کاررفته در هریک از این مقوله‌ها می‌توان به این نکته دست یافت که حضرت از روش‌های تشویق، استدلال و توصیه بیشتر در راستای تقویت اخلاق اجتماعی کارگزاران بهره برده‌اند و از روش‌های آگاهی‌بخشی، هشدار و سرزنش بیشتر در راستای تقویت اخلاق فردی کارگزاران بهره برده‌اند. کمترین میزان بهره از این روش‌ها در راستای تقویت اخلاق الهی کارگزاران بوده است.

منابع و مآخذ

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱٤۱٦ ق، ***لسان العرب***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۲. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه، ۱۳۹۲، «تحلیل کیفی متن: استقرا، قیاس»، ***مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام***، ش ۱، ص ۱۰٤ ـ ۸۵.

۳. ایمان، محمدتقی، نوشادی، محمدرضا، ۱۳۹۰، «تحلیل محتوای کیفی»، ***مجله پژوهش***، سال سوم، ش ۲، ص ٤٤ ـ ١٥.

٤. حسینی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۹۵، «جستاری درباب روابط ارزش‌های اخلاقی گامی در مسیر کشف نظام اخلاقی قرآن»، ***فصلنامه پژوهش‌های قرآنی***، بهار ۱۳۹۵، ش ۱، ص ٦٣ ـ ٣٤.

٥. داودی، محمد، ١٣٨٤، ***سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت علیهم السلام (تربیت دینی)***، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

٦. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۰، ***سیره نبوی ـ منطق عملی، دفتر دوم: سیره اجتماعی***، تهران، دریا.

٧. سیدرضی، محمد، ۱۳۷۹، ***نهج‌البلاغه***، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.

٨. شیخ زاده، محمد، ۱۳۹۳، «چگونگی شناسایی مضمون؛ سؤالی رایج وپرکاربرد در پژوهش‌های کیفی»، ***نشر اینترنتی***، قابل دسترس در سایتhttp://sheikhzadeh.blog.ir/page/research آخرین بازنگری ۱۳۹۵/۲/۲.

٩. صادقی فسایی، سهیلا و ملکی‌پور، زینب، ۱۳۹۲، «تحلیل جنسیتی فاصله در روابط زوجین: مصادیق و زمینه‌های شکل‌گیری»، ***نشریه زن در توسعه و سیاست***، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۲۸ ـ ۱.

١٠. قمیحة، جابر، ١٩٨٦ م، ***ادب الرسائل فی صدر الاسلام؛ «عهد النبوة»***، القاهرة، دار الفکر العربی، الطبعة الاولی.

١١. محمودی، محمدباقر، ١٣٧٦، ***نهج‌السعادة فی مستدرک نهج‌البلاغه***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

١٢. مسکویه، ابوعلی، بی‌تا، ***تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق***، قم، بیدار.

١٣. مکارم شیرازی، ناصر، ١٣٧٨، ***پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام: شرحی تازه و جامع بر نهج‌البلاغه***، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

١٤. مهرداد، ندا و همکاران، ۱۳۹۵، ***تحلیل محتوای کیفی***، تهران، بشری مرکز نشر علوم پزشکی.

١٥. مؤمنی‌راد، اکبر، علی آبادی، خدیجه و همکاران، ۱۳۹۲، «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، ***مجله اندازه‌گیری تربیتی***، سال چهارم، ش ١٤، ص ٢٢٢ ـ ١٨٧.

١٦. نریمانی، زینب، ۱۳۹۷، ***تحلیل محتوای کیفی نامه‌های حکومتی امام علی علیه السلام***، پایان‌نامه دکتری زبان وادبیات عرب، استاد راهنما: علی‌باقرطاهری‌نیا، دانشگاه تهران.

١٧. یوسف‌زاده وفایی، اصغر، سیداحمد رهنمایی، ١٣٩٤، «روش‌های تربیتی اسلام در تحقق عدالت اجتماعی»، ***مجله معرفت***، ش ٢٥، ص ٩٢ ـ ٧٧.